

نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن

بر اساس آراء و مبانی شیعه*

دکتر سیدرضا مؤدب / سیدمحمد موسوی مقدم

استاد دانشگاه قم / دانشجوی دکتری مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم

چکیده

یکی از جدیدترین آثاری که خاورشناسان و قرآن‌پژوهان غیرمسلمان درباره قرآن و معارف والای آن در سال‌های اخیر تدوین نموده‌اند، دائرةالمعارف قرآن لیدن است. این دائرةالمعارف طبق بیان سرویراستار آن، خانم جیم دمن مک اولیف دارای هزار مدخل بوده و از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون پنج جلد آن انتشار یافته است. نویسندگان قرآن‌پژوه این دائرةالمعارف، نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی درباره موضوعات قرآنی نظیر مصدر قرآن، تاریخ جمع و تدوین آیات، ادبیات و ساختار قرآن، تحریف قرآن و معارف و محتوای قرآن کریم ابراز کرده‌اند که در برخی موارد، اصول و مبانی شیعه را مورد حمله قرار داده، اظهار نظرهای بی‌پایه و اساس و غیر عالمانه‌ای را بیان داشته‌اند.

لذا این مقاله بر آن است با رعایت اصل انصاف و واقع‌نگری، به نقد علمی و محققانه دیدگاه‌های خاورشناسان و نویسندگان دائرةالمعارف قرآن لیدن بر اساس آرا و مبانی شیعه بپردازد تا سهمی در تبدیل فضای تاریک اتهام‌ها به فضای روش واقع‌نگری جامعه بشری به این کتاب آسمانی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: دائرةالمعارف قرآن لیدن، مبانی شیعه، عالمان شیعه، تفاسیر شیعه، خاورشناسان.

مقدمه

قرآن کریم، بیانگر سخنان خداوند برای همه انسان‌ها به‌ویژه بیش از یک میلیارد مسلمان جهان است. شنیدن آیاتش با صوتی دلنواز، دیدن کلماتش با خطی زیبا بر سردر مساجد و دیگر اماکن عمومی و لمس نمودن متن آن، احساس حضوری مقدّس را در اذهان و دل‌های انسان‌ها پدید می‌آورد.

قرن‌هاست کودکان مسلمان، تحصیلات رسمی خود را با قرآن آغاز می‌کنند و در فرهنگ دینی که تعلّم را می‌ستاید، افرادی که دانستنی‌های والا و گسترده‌ای از قرآن فرامی‌گیرند، مورد احترام و تحسین فراوان واقع می‌شوند؛ با این حال می‌بینیم در پاره‌ای از معارف قرآنی، دیگران در عمل به آن بر ما پیشی جسته‌اند. پس از گذشت قرن‌ها، از یک سو با سیل تحریف‌های معنوی معارف قرآن و شبهات فراوان غریبان و شرق‌شناسان یهودی و مسیحی مواجه بوده‌ایم و از سوی دیگر هیچ پاسخ جدّی‌ای در جهان ارائه نکرده‌ایم، بلکه از ناحیه دیگر شاهد آنیم که برخی ملل بیگانه در عمل به بعضی دستوره‌های اخلاقی قرآن، مانند نظم، پاکیزگی، پشتکار، امانتداری، ادای دین در تولید و روحیه جمعی، از ما مسلمانان پیشی گرفته‌اند، و در برخی میدان‌های علمی و پژوهشی قرآنی نیز گوی سبقت را از عالمان دینی اسلام ربوده‌اند.

فلوکل آلمانی با تألیف معجم الفاظ قرآن به نام نجوم آیات الفرقان همه محققان دینی حوزه‌ها را مهمان سفره خویش ساخت و ژول لابوم فرانسوی، با تألیف معجم موضوعی آیات قرآن به نام تفصیل آیات القرآن الکریم، مسئولیت تعلیم موضوعات قرآن کریم را برای طلب و فضلالی مسلمان جهان بر عهده گرفت و گلدزیه‌ر یهودی و مجارستانی، با تحقیق درباره روش‌های تفسیر مفسران قرآن کریم و تألیف کتاب المذاهب التفسیریة للقرآن الکریم، بر کرسی تدریس علوم قرآنی نشسته، دانش جدیدی را در علوم قرآن پایه‌گذاری کرد.

مستشرقان غربی، کشیشان مسیحی و خاخام‌های یهودی به اینها اکتفا نکردند، بلکه اکنون که عطش جامعه بشری را برای لزوم دریافت اطلاعاتی جامع و منسجم درباره معارف قرآن - آخرین کتاب آسمانی خداوند - به صورت یک «دائرة المعارف قرآنی» احساس کرده‌اند، قبل از علمای اسلام و مراکز پژوهشی قرآنی به این امر مهم دست یازیده‌اند و جمعی از آنها به رهبری یک خانم غربی به نام جیم دَمین مک اولیف (Jame Dammen McAuliffe) استاد دانشگاه «جرج تاون امریکا» در مؤسسه «بریل»^{*} در شهر لیدن هلند به تحقیق درباره معارف قرآن و تدوین مقاله‌های قرآنی اقدام کردند.

گفتنی است دائرة المعارف قرآن لیدن، (Encyclopaedia of the Quran)، طبق بیان سرویراستار آن در مقدمه دائرة المعارف، دارای هزار مدخل خواهد بود و از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون پنج جلد آن (حدود هفتصد مدخل) به زبان انگلیسی انتشار یافته است.

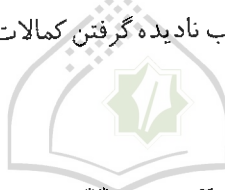
قرنهاست بسیاری از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان غیرمسلمان اعم از غربی و غیر آن، به پژوهش درباره قرآن پرداخته و راجع به مصدر قرآن، تاریخ جمع و تدوین آیات، ادبیات و ساختار آن و معارف و محتوای قرآن کریم نظریه‌های گوناگونی ابراز کرده و هزاران کتاب و مقاله منتشر کرده‌اند.

آنان گاه به تجلیل از قرآن و تبیین زیبایی‌ها و معارف و تعالیم والای آن پرداخته و گاه به دلیل عدم دسترسی مستقیم به منابع اسلامی، دچار برداشت‌های نادرست شده‌اند؛ چنان‌که احیاناً برخی از آنان به تحریف یا اتهام‌های دروغین و تهاجم‌های غیرمنطقی دست زده‌اند.

* مؤسسه «بریل» (Brill) در شهر لیدن هلند، یکی از مؤسسه‌های فرهنگی معروف در سطح جهان است که در عرصه‌های گوناگونی چون علوم اسلامی، ادبیات عرب و ادبیات فارسی گام‌های استوار و نمربخشی برداشته است.

حجم انبوه این آثار قرآن‌پژوهشی قرآن‌شناسان غربی در سطح جهان و تأثیرگذاری منفی آن بر اذهان تشنه جامعه بشری و اسلامی. نقدی علمی می‌طلبد تا سره را از ناسره تفکیک و پاسخی منطقی به اشکال‌های مستشرقان ارائه کند.

نقد حاضر، گامی است در مسیر انجام این رسالت تا سهمی در تبدیل فضای تاریک اتهام‌ها به فضای روشن واقع‌نگری جامعه بشری. به این کتاب آسمانی داشته باشد. در این کار با الهام از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸) *کوشیده‌ایم اصل انصاف و واقع‌نگری را رعایت کنیم و دشمنی آنان با ما موجب نادیده گرفتن کمالات و ویژگی‌های مثبت کارشان نشده است.



۱. معرفی دائرةالمعارف قرآن لیدن**

کتاب دائرةالمعارف قرآن جدیدترین اقدام علمی و فرهنگی‌ای است که گروهی از خاورشناسان درباره معارف والای قرآن انجام داده‌اند. این گروه که متشکل از تعداد زیادی از پژوهشگران و قرآن‌شناسان مسیحی و یهودی و برخی از دانشمندان مسلمان بود، در شهر لیدن هلند به تألیف این دائرةالمعارف ویژه قرآن اقدام نمودند. ابتکار این پروژه و سرپرستی آن بر عهده خانمی غربی به نام جیم دمن مک اولیف، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه دائرةالمعارف گذاشته شد تا او و همکارانش این مجموعه را در پنج جلد به جهانیان عرضه کنند. از سال

** «و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

** برای معرفی دائرةالمعارف قرآن لیدن، رک به: اسکندرو، ۱۳۸۲، ص ۲۴۷-۲۸۵ / رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳-۷۰ / کربیمی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۳۵-۳۶ / همو، ۱۳۸۳، ص ۳۱-۳۳ / بهار دوست، ۱۳۸۲، ص ۵۱-۵۳.

۲۰۰۰ میلادی تاکنون پنج جلد آن به زبان انگلیسی چاپ و منتشر شده است، اما تعداد کل مدخل‌های این پنج جلد ۶۸۴ مدخل می‌باشد. ظاهراً باقی مدخل‌های دائرة المعارف قرآن لیدن در جلدهای بعدی آن چاپ و منتشر خواهد شد.

اعضای اصلی هیئت تحریریه و ویراستاران دائرة المعارف قرآن لیدن عبارتند از:

۱. سرپرست و سر ویراستار: خانم جیم دمن مک اولیف، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون امریکا (واشنگتن دی. سی):

۲. اعضای اصلی انجمن ویراستاران: کلود ژیلیو (Claude Gilliot) از دانشگاه آی‌کس. ان. پروانس، ویلیام گراهام (William A. Graham) از دانشگاه هاروارد امریکا، ودد کدی (وداد قاضی) (Wadad Kadi) از دانشگاه شیکاگو امریکا و آندرو ریپین (Andrew Rippin) از دانشگاه ویکتوریا:

۳. ویراستاران فرعی: مونیک برناردز و ولیجمن (Monique Bernards, Vlijmen) از دانشگاه گرونینگن هلند و نیز جان نواس (John Nawas) از دانشگاه کاتولیک لیوون:

۴. مشاوران ارشد: نصر حامد ابوزید (Nasr Hamid Abu-Zayd) از دانشگاه لیدن هلند، محمد آرکون (Mohammed Arkoun) از دانشگاه سربین فرانسه، جرهارد بوورینگ (Gerhard Bowering) از دانشگاه ییل امریکا، جرالد هاوتینگ (Gerald Hawting) از دانشگاه لندن، فردریک لییم هاوس (Frederik Leemhuis) از دانشگاه گرونینگن، آنجلیکا نیوورث (Angelika Neuwirth) از دانشگاه آزاد برلین و یوری ربین (Uri Rubin) از دانشگاه تل آویو:

جای بسی شگفتی است که در این دائرة المعارف، هیچ نشانی از قرآن پژوهان ایرانی مشاهده نمی‌شود و در فهرست منابع که در آغاز کتاب و تحت عنوان (SHORT TITLES) (مشمول بر ۱۵ صفحه) آمده، به تفاسیر شیعی و آثار

پژوهشگران ایرانی، کمتر توجه شده است.

به لحاظ موضوعی، این میراث غنی علمی، مقالاتی را به ترتیب حروف الفبا درباره محتویات قرآن و مهم‌ترین موضوعات آن بر اساس ساختار مطالعات قرآنی به صورت گسترده تنظیم کرده است.

این اثر، افزون بر آنکه نوعی لغت‌نامه بسیار گسترده درباره اصطلاحات، مفاهیم، شخصیت‌ها، اسامی مکان‌ها و تاریخ فرهنگ قرآنی است، همچنین تفسیر مختصری از مطالعه تخصصی قرآن در آغاز قرن بیست و یکم به شمار می‌آید که به زبان اروپایی منتشر می‌شود. *دائرةالمعارف قرآن*، واژگان مدخل‌ها را به زبان انگلیسی به کار می‌برد تا فهم آن برای مطالعه‌کنندگان متون مقدس، تاریخ قرون وسطایی (ادوار میانه)، ادبیات تطبیقی و علوم اجتماعی و حتی برای متخصصان عربی و مطالعات اسلامی روشن‌تر باشد.

گزینش و نامگذاری مدخل‌های این *دائرةالمعارف*، به شیوه‌ای دقیق و قابل استفاده برای عموم خوانندگان و با بهره‌گیری از تجربه *دائرةالمعارف اسلام (EI)* به انجام رسیده است؛ توضیح اینکه مدخل‌های *دائرةالمعارف اسلام (EI)*، بر مبنای تلفظ عربی آنها آوانگاری شده است.

به نظر خانم مک اولیف، سرویراستار *دائرةالمعارف قرآن (EQ)*، این شیوه برای خوانندگان غیر عرب‌زبان و کسانی که در محیط‌های عربی اسلامی پرورش نیافته‌اند، ابهام ایجاد می‌کند و آنان را در فهم معنای آن مدخل دچار زحمت و اشکال می‌کند؛ لذا هیئت ویراستاران این *دائرةالمعارف*، نهایت کوشش خود را به کار گرفته‌اند تا حد امکان از معادل‌های لاتین متداول در متون مذهبی و ادبی غربیان بهره‌گیرند؛ برای مثال به جای متشابهه (Mutashabeh) از Ambiguous، به جای نسخ (Naskh) از Abrogation، به جای اعجاز (I'jaz) از Inimitability و به

جای اصطلاح علائم آخرالزمان از Apocalyps استفاده کرده‌اند. در مورد اعلام و اسامی خاصی که در متون مذهبی‌شان به کار رفته است، به همین شیوه عمل کرده، این اسامی را بر مبنای تلفظ عربی‌شان آوانگاری نکرده‌اند؛ مانند داوود (David)، هارون (Aaron)، حبشه (Abyssinia)، یعقوب (Jacob)، ایوب (Job)، یاجوج و ماجوج (Gog and Magog)، اسکندر (Alexander)، اسحاق (Isaac) و عیسی (Jesus)؛ البته اگر اسم خاص یا اصطلاحی که به عنوان یک مدخل به کار گرفته شده، معادلی در زبان لاتین نداشته باشد، بر مبنای تلفظ عربی‌اش آوانگاری شده است؛ مانند همه نام‌ها و اسامی خاص مربوط به حوزه اسلام، نظیر علی بن ابیطالب، ابوبکر، حمزه بن عبدالمطلب، فاطمه و کعبه که در متون مقدس غربیان به کار نرفته، و اصطلاحاتی نظیر جن، مصحف، معتزل، ناموس، حنیف، اسلام، برزخ و بسمله که تنها در حوزه اسلام مطرح شده است.

حجم مقالات و کوتاهی و بلندی آنها، در نگاه اول متناسب به نظر نمی‌رسد و حتی ممکن است گزینش برخی مدخل‌ها در این دائرة المعارف شگفتی ما را برانگیزد؛ اما باید توجه داشت دائرة المعارف قرآن (EQ) از سوی قرآن‌پژوهان غربی و در محیط مطالعاتی خاص آنان با گرایش‌های ویژه خود تألیف شده است (بهار دوست، ۱۳۸۲، ص ۵۲ / کریمی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۳۵-۳۶).

۱.۱. هدف خاورشناسان از تدوین دائرة المعارف قرآن لیدن

خانم جیم دمن مک اولیف، مسئول و سروراستار این دائرة المعارف، درباره انگیزه و تاریخچه تألیف آن می‌نویسد:

برنامه‌ریزی برای این دائرة المعارف قرآن (EQ) در سال ۱۹۹۳ میلادی هنگامی آغاز شد که در لیدن با یک ویراستار بسیار عالی به نام پری بیرمن ملاقات کردم تا امکان شروع چنین پروژه‌ای را بررسی

کنیم. خیلی زود چهار دانشمند درجه یک، یعنی: ودد کدی، کلود ژیلیو، ویلیام گراهام و آندرو ریپین موافقت خود را جهت پیوستن به هیئت تحریریه اعلام کردند.

هدف این بود که اثر مرجعی را به صورت بهترین توفیق قرن در باب پژوهش‌های قرآنی ارائه دهیم، و نیز می‌خواستیم این دائرةالمعارف، زمینه تحقیق گسترده‌تری در باب قرآن در دهه‌های آتی فراهم آورد. آرزوی مهم‌تر، در دسترس قرار دادن گنجینه گسترده پژوهش‌های قرآنی برای طبقه عالمان متخصص و نیز فرهیختگان بود؛ البته می‌توان گفت: مخاطبان این دائرةالمعارف، خوانندگان عمومی اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌باشند.

در هر صورت، تهیه آن به صورت نخستین مرجع درباره قرآن به زبان اروپایی برای همه کتابخانه‌های عمومی و تخصصی لازم و ضروری است (اسکندرو، ۱۳۸۲، ص ۲۷۰).

۱-۲. رویکردهای خاورشناسان در دائرةالمعارف قرآن لیدن

۱. دائرةالمعارف، هم به آینده نگریسته و هم به گذشته و این بینش دوجانبه، ساختمان این دائرةالمعارف را شکل داده است.
۲. قالب‌های الفبایی پیش‌بینی شده دائرةالمعارف، گسترش می‌یابد تا شامل مقالات طولانی و مبسوط شود.
۳. ضمن احترام به دستاوردهای قرن گذشته، موفقیت‌های این قرن را نیز ترویج می‌کند.
۴. دائرةالمعارف قرآن شامل تفسیر قرآن نمی‌شود؛ از این رو حتی در مورد

مفسران قرآن مانند طبری و فخر رازی، بخش مستقلی نخواهد داشت؛ اما ارجاع‌هایی به آنها خواهد داشت.

۵. گسترده‌ترین شعاع ممکن از یک تحقیق علمی موشکافانه درباره قرآن، در دائرة المعارف می‌گنجد.

۶. استفاده از روش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت در لابه‌لای دائرة المعارف، یک اقدام عمدی بوده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

۲. نقد دائرة المعارف قرآن لیدن*

۲-۱. ویژگی‌های مثبت دائرة المعارف قرآن لیدن

۲-۱-۱. انصاف و عدم تعصب در گزارشگری برخی مقاله‌ها: برخی از نویسندگان مقاله‌های این دائرة المعارف، واقعاً انصاف را رعایت کرده، دیدگاه‌های مسلمانان را در مواردی که ضدّ نظر مسیحیان بوده، به صورت کامل نقل کرده‌اند؛ نه آن را تحریف کرده و نه ناقص نقل نموده‌اند. این روحیه واقعاً قابل ستایش است؛ برای نمونه خانم جیم دمن مک اولیف، مدیر کل و سروراستار این دائرة المعارف را می‌توان نام برد.

مک اولیف در مقاله «فاطمه علیها السلام» (MCAaliffe, 2000, Vol.2, p. 192) به جلوه‌هایی از کمالات آن حضرت، مانند: نزول آیه تطهیر، آیه مباهله، تأویل آیه برگزیدگی حضرت مریم علیها السلام در آیه ۴۲ آل عمران در شأن آن حضرت، نظر شیعیان در مورد برتر بودن حضرت فاطمه علیها السلام بر همه زنان جهان، مظلومیت ایشان و نیز تحلیل باطنی برخی از دانشمندان مسیحی در مورد ارتباط حضرت مریم علیها السلام با حضرت فاطمه علیها السلام می‌پردازد.

* برای نقد دائرة المعارف قرآن لیدن، رک به: زمانی، ۱۳۸۲، ص ۷۹-۱۰۴ / رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳-۷۰ / زمانی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۱-۵۴۳.

لحن این مقاله، دقیقاً لحن گزارشگری منصف و بی‌طرف است که به انعکاس اطلاعات خویش در مورد عقیده مسلمانان درباره حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته است؛ تا آنجا که یک خواننده مسلمان با خواندن آن مقاله لذت می‌برد.

۲-۱-۲. دعوت از برخی نویسندگان مسلمان: یکی از ویژگی‌های مثبت *دائرةالمعارف قرآن لیدن*، دعوت از برخی نویسندگان مسلمان برای نوشتن مقاله‌های قرآنی است. بالطبع یک دانشمند مسلمان نه تنها مطالب و مقاصد قرآن را واقع‌بینانه‌تر از غیرمسلمانان فهمیده و برای مخاطبان توضیح می‌دهد، بلکه به طرح مواردی از معارف قرآنی که احیاناً دلایل و مؤیداتی از خارج قرآن دارند، می‌پردازد که هم برای تقویت بینش مسلمانان و هم برای توجیه معقول معارف نزد خوانندگان غیرمسلمان مفید خواهد بود.

از جمله نویسندگان مسلمان که در *دائرةالمعارف قرآن لیدن* به کار گرفته شده‌اند، می‌توان به: علی آسایی، محمد آرکون، ابوفضل محسن ابراهیم و نصر حامد ابوزید اشاره کرد. *کرتیقا کاپتور علوم اسلامی*

برای نمونه، آقای ابوفضل محسن ابراهیم در مقاله «زیست‌شناسی و آفرینش و مراحل حیات» (Ibid, vol.1, p.229) در تفسیر آیه ۲۰ *سوره عبس*، درباره سیر منظم متولد شدن یک جنین، طبق برنامه‌ریزی حکیمانه خداوند، مطالبی از یافته‌های دانش جنین‌شناسی ارائه می‌دهد که بسیار جالب توجه است.

همچنین، آقای علی رسایی، نویسنده مقاله «علی بن ابیطالب» (Ibid, vol.1, p.62) در این *دائرةالمعارف* که به نظر می‌رسد محقق مسلمان و شیعه باشد، این مقاله را به رغم اختصار، جداً خوب و بدون اشکال تألیف کرده که جای قدردانی دارد.

۲-۱-۳. دفاع از ساحت قرآن: *دائرةالمعارف* در برخی مقاله‌ها، اقدام به دفاع از

قرآن و رد اشکال‌های مخالفان نموده است؛ حال آنکه واقعاً نباید هیچ‌گونه انتظار دفاع از قرآن را از یک مسیحی یا یهودی داشت؛ برای نمونه نیریای در مقاله‌ای تحت عنوان «تحریف» (Ibid, vol.2, p.242) نوشته است:

روشن است که موضوع تحریف، از مناسب‌ترین سوژه‌هایی است که مستشرقان مغرض به جمع‌آوری شواهد، اعترافات و روایات ضعیف کتاب‌های مسلمانان برای اثبات وقوع آن پرداخته‌اند؛ اما نویسنده این مقاله واقعاً نجابت و صداقت خویش را در تحقیق و تألیف نشان داده است. وی پس از ارائه اطلاعاتی در مورد معنا و انواع تحریف و نقل تحریف کتاب‌های یهود و نصاری در قرآن، به دیدگاه مسلمانان درباره تحریف قرآن پرداخته و می‌نویسد: «سنی‌ها و شیعیان هر یک دیگری را متهم به تحریف کرده‌اند. ... تمام تلاش‌هایی که در جهت متهم ساختن شیعه به فراهم آوردن قرآنی دیگر انجام گرفته، با شکست مواجه شده است و هر دو فرقه شیعه و سنی در تمام مراسم و اهداف دینی خود از قرآنی واحد استفاده می‌کنند» (Ibid, vol.2, p.242).

۲-۲. اشکالات دائرة المعارف قرآن لیدن

۲-۲-۱. توضیح الفاظ به جای توضیح معارف: نویسندگان این دائرة المعارف، معمولاً تحت هر عنوان و مدخلی، به ترجمه آن واژه قرآنی، تعداد تکرار آن واژه در قرآن و احیاناً بیان تفاوت موارد کاربرد آن پرداخته و به همان اکتفا کرده‌اند؛ برای نمونه، واژه هدایت و گمراهی از واژه‌های کلیدی قرآن کریم است، به صورتی که اگر معارف عمیق قرآنی مربوط به این دو واژه واقعاً برای خوانندگان محقق غیرمسلمان تبیین شود، مورد پسند و قبول بسیاری قرار خواهد گرفت؛ اما ذیل

عنوان گمراهی (Ibid, vol.2, p.43) به ترجمه و تعداد تکرار آن اکتفا شده است؛ حال آنکه مطالب مهم‌تری نسبت به این مدخل در معارف قرآنی وجود دارد که شایسته بود نویسنده محترم، آنها را نیز گزارش می‌کرد.

۲-۲-۲. کم‌توجهی به آرا و منابع قرآنی شیعه: مستشرق و قرآن‌پژوه غربی در صدد انعکاس آرای مسلمانان در هر موضوع دینی و قرآنی است و انتظاری که از او می‌توان داشت، صرف گزارشگری است، نه اظهار نظر حاصل از تأمل و تحقیق شخصی خودش (البته در بسیاری از موارد که خودشان لازم دانسته‌اند، به اظهار نظرهای فراوانی مبادرت نموده‌اند)؛ و از طرفی، اکثریت جمعیت مسلمانان اهل سنت‌اند که انعکاس نظر آنها لازم است، اما حدود یک چهارم از کل امت را شیعیان تشکیل می‌دهند؛ پس وظیفه یک گزارشگر، توجه به آرا و منابع دینی و قرآنی آنان و منعکس نمودن آنها در مقاله‌های خود نیز هست؛ هر چند یک چهارم از حجم مقاله را در بر بگیرد.

علاوه بر این، اندیشه دینی شیعه، به دلیل دو عنصر عقلگرایی و فراگیری دانش دینی از امامان معصوم علیهم‌السلام - به جای صحابه و تابعین غیر معصوم - دارای تفکر، برداشت و تحلیل‌های ناب‌تر و عقل‌پسندتری راجع به مسائل اسلامی و قرآنی است؛ و ویژگی عقلگرا بودن یک مستشرق غربی، باید به صورت طبیعی، وی را به سوی توجه و اهتمام بیشتر به نظرات شیعه بکشاند، اما متأسفانه دائرةالمعارف قرآن لیدن در برخی مقاله‌ها، آن هم بسیار اندک به منابع و نظر شیعه توجه کرده است که این روش، علاوه بر اینکه نقص متدیک و روش‌شناختی دارد، یک نوع ابزار و روشی برای امساک از عرضه زیبایی‌های فرهنگ اسلام و قرآن به مردم مغرب‌زمین است. امید است این امساک روی ضعف اطلاعات و مطالعات علمی و عدم دسترسی به منابع شیعه باشد، نه از روی تعصب، عناد و

پرهیز از طرح زیبایی‌های جذاب قرآن؛ برای نمونه جوئل بل در مقاله «حدیث و قرآن» (Ibid, vol.2, p.376-396) که در جلد دوم، حدود سی صفحه بزرگ دائرة المعارف قرآن لیدن را به خود اختصاص داده است و در پایان مقاله، اسامی ده‌ها کتاب و مأخذ آن، دو ستون کامل را فرا گرفته، فقط به دو کتاب از منابع شیعی مراجعه کرده است: یکی اصول کافی و دیگری بحار الانوار؛ البته مراجعه به این دو کتاب هم، نه به دلیل تحقیق واقعی و کشف آرای حدیثی شیعه نسبت به قرآن، بلکه با هدف جستجوی نقاط ضعف بوده است؛ زیرا چهار یا پنج موردی که به بحار الانوار استناد شده است، دقیقاً موارد ضعیفی است که از نظر شیعه مردود است (برای توضیح بیشتر، رک به: عنوان «غرض‌ورزی»).

عدم ذکر تعداد دیگری از کتاب‌های اصلی و منابع شیعه در قرآن و حدیث، یکی از ضعف‌های علمی این دائرة المعارف است که حداقل ناشی از غفلت یا ضعف علمی نویسنده می‌باشد.

۲-۲-۳. استناد بسیار به نویسندگان غربی و اقتباس از دائرة المعارف اسلام لیدن: میزان ارزش علمی هر مقاله و کتاب، بستگی به چند عامل دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، میزان مستند بودن مطالب به مأخذ و منابع معتبر اولیه موضوع مربوطه است؛ چنان که تحقیق و قلم‌فرسایی درباره معارف و اندیشه‌های پیروان یک دین، قطعاً باید متکی بر کتاب‌های معتبر و پذیرفته‌شده پیروان آن دین باشد.

متأسفانه نویسندگان برخی مقاله‌های دائرة المعارف قرآن لیدن اظهار نظرهای مهم را مستند به کتاب‌ها و آثار مستشرقان غربی نموده‌اند! طبیعی است که اینگونه مقاله‌ها نمی‌توانند نام تحقیق علمی و اظهار نظر را به خود بگیرند، بلکه نقل‌نامه‌ای هستند که از دیگر صاحب‌نظران وام گرفته شده‌اند.

کلود ژیلیو در مقاله مفصل ۲۴ صفحه‌ای خود، در دائرةالمعارف قرآن لیدن تحت عنوان «تفسیر قرآن در دوره کلاسیک و ادوار خاورمیانه» (Ibid, vol.2, p.99-124) با آنکه از مآخذ اسلامی هم بهره گرفته است، ولی در اظهار نظرهای کلیدی و مهم خویش به آثار غربیان ارجاع داده است؛ موارد ذیل از آن نمونه‌اند:

۱. زیر عنوان مشروعیت و اعتبار تفاسیر قرآنی، از اختلاف مسلمانان صدر اسلام در مورد مشروعیت تفسیر گزارش می‌کند و سپس راجع به تحلیل آن، نظراتی از چهار نفر ذیل نقل می‌کند که یک نفر آنان از مسلمانان اهل سنت و سه نفرشان غیرمسلمان و بالطبع فاقد اطلاعات مستقیم از قرآن و تفسیرند: سیوطی در الاتقان، برکلند، آبوت (Abbott) و ریپین.

اینگونه ارجاع‌ها در حالی صورت می‌گیرد که مفسران بزرگ و قرآن‌پژوهان مسلمان، در مقدمه تفاسیر خویش یا در کتاب‌های علوم قرن به اظهار نظر مفصل و تحلیل دقیق در این موضوع پرداخته‌اند که شایسته بود نظر آنها در این مقاله نقل می‌شد.

۲. اکثر عبارات‌های صفحه اول مقاله کلود ژیلیو دقیقاً کلیشه عبارت‌های صفحه اول مقاله اندرو ریپین است و با این عبارت شروع می‌شود: «تفسیر که واژه‌ای عربی است، به معنای توضیح، تبیین و تشریح است و...».

۳. اندرو ریپین در صفحه ۸۳ می‌نویسد: «نویسندگان شیعی از قبیل طوسی و طبرسی، در تفسیر خود نمونه‌های کامل و جامعی از گزارش معتزلی را ارائه داده‌اند».

در مقاله کلود ژیلیو همین سخن اشتباه، بدون تحقیق راجع به صحت و سقم آن، دقیقاً تکرار شده است.

۲-۲. ضعف علمی برخی از نویسندگان دائرةالمعارف قرآن لیدن: هر نویسنده‌ای

در صورتی می‌تواند مقاله‌ای عالمانه بنگارد که هم اطلاعات جامعی درباره آن موضوع داشته باشد و هم اکثر منابع مهم در آن موضوع را مطالعه کرده باشد؛ اما یک مستشرق، معمولاً به دلیل مسلمان نبودن و عدم حضور در فضای فرهنگ اسلامی، فاقد شرط اول است؛ گذشته از اینکه کتابخانه‌های مراکز شرق‌شناسی اروپا دارای همه منابع مهم و کلیدی درباره هر موضوع اسلامی و قرآنی به اندازه کتابخانه‌های کشورهای اسلامی نیستند. اکنون، اگر یک مستشرق با وجود این دو محدودیت فهری، خود توان جستجو و تتبع کامل در مورد همه مآخذ و منابع مهم موجود در کتابخانه‌های مورد دسترسی را نداشته باشد و به مطالعه برخی از آنها قناعت کند، حتماً مقاله‌ای خام ارائه خواهد داد. ضعیف بودن برخی مقاله‌های دائرة المعارف قرآن لیدن را می‌توان در عدم ذکر برخی مطالب مهم درباره موضوع هر مقاله مشاهده کرد. موارد ذیل از آن نمونه‌اند:

(الف) مصداق مطهرون: رابرت ویسنر اسکای در مقاله «کتاب آسمانی» (Ibid, vol.2, p.412) به معرفی انواع و مصادیق کتاب آسمانی می‌پردازد. او ضمن اینکه یکی از ویژگی‌های کتاب مکنون را عدم دسترسی ناپاکان (غیر مطهرین) به آن می‌شمرد، به معرفی مطهرون و پاکیزگان از دیدگاه مسلمانان پرداخته، می‌نویسد: «آنان همان فرشتگانی هستند که در برابر هر تغییر و تصرفی، از آن کتاب محافظت می‌کنند».

آقای رابرت این نظریه را که فقط یکی از احتمالات نقل شده در تفاسیر است، نقل نموده است. در حالی که اگر به ده‌ها تفسیر بزرگ قرآن مراجعه می‌کرد، با دیدگاه‌های دیگر و جالب‌تری مواجه می‌شد که شایسته بود رابرت آن را گزارش می‌کرد؛ برای مثال علامه طباطبایی، بزرگ‌مفسر معاصر شیعه، در المیزان سه معنا

را بدین ترتیب مطرح کرده است:

اول: لوح محفوظی که حقیقت قرآن در آن مکنون و پنهان است، دسترسی به آن فقط ویژه مطهرون و پاکیزگان است که خداوند طبق آیه تطهیر، روح‌شان را از هر گونه آلودگی پاکیزه گردانیده است. آنها پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اهل بیت و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند.

دوم: لفظ «لا یمسه» نهی است و مدلول این آیه، آن است که افراد فاقد طهارت و وضو، از مس قرآن نهی شده‌اند.

سوم: لفظ «لا یمسه» نفی و خبر در مقام انشاء است که آیه شریفه، باز همان مفهوم دوم را دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۹، ص ۱۲۷).

رابرت نظریه دیگری را از برخی مسلمانان، اینگونه نقل می‌کند: «گاهی مقصود از کتاب آسمانی، منبع جامع همه کتب آسمانی نازل شده بر پیامبران، مانند کتاب شیت عَلَيْهِ السَّلَام، ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام، موسی عَلَيْهِ السَّلَام، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که تعداد صفحات آن ۱۰۴ یا ۱۱۴ صفحه می‌باشد» (Ibid, vol.2, p.412).

ممکن است این نظریه شاذ در کتابی نوشته شده باشد، اما چون هیچ توجیه معقول و منطقی برای آن وجود ندارد و در کتاب‌های معتبر از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام نقل نشده، شایسته نیست در یک دائرةالمعارف تخصصی قرآنی به عنوان یک نظریه مهم گزارش شود.

ب) آیات نازل شده در شأن ابوبکر: آندرو ریپین نویسنده مقاله «ابوبکر» می‌نویسد: آیات فراوانی درباره ابوبکر نازل شده است؛ مانند آیه «وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (زمر: ۳۳). و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود؛ آنانند که خود پرهیزگاراند.

نقد و بررسی

اولاً: تعداد آیاتی که اهل سنت ادعا کرده‌اند درباره ابوبکر نازل شده، اندک است نه فراوان. معلوم نیست نویسنده محترم بر اساس چه انگیزه و چه سند علمی، ادعایی بیش از ادعای اهل سنت و مسلمانان مطرح کرده است.

ثانیاً: لحن عبارتهای مقاله در این مطلب، نقل قول از اهل سنت و مسلمانان نیست؛ چه اینکه در بسیاری از مقاله‌های این دائرة المعارف، دقت در نقل قول، رعایت شده است، بلکه لحن گزارش، حاکی از دیدگاه خود نویسنده و نظر محققانه وی است؛ حال آنکه بعید است این سخن، حاصل تحقیق شخص وی باشد.

ثالثاً: نویسنده در نظر داشته یک آیه از مجموع آیات نازل شده در شأن ابوبکر را به عنوان معروف‌ترین آیه بنویسد؛ بنابراین طبق قاعده مناسب بود آیه ۴۰ سوره توبه را که مشهورترین آیه راجع به ابوبکر است، نقل می‌کرد: «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۴۰)... آن گاه که آن دو در غار [نور] بودند، وقتی [پیامبر ﷺ] به همراه خود می‌گفت: «آندوه مدار که خدا با ماست».

رابعاً: شایسته بود نویسنده نظر شیعیان را نیز که یک چهارم مسلمانان هستند، در این موضوع نقل می‌کرد؛ چرا که آنان منکر نزول آیات در فضایل وی هستند.

۳-۲. غرض‌ورزی

برخی از نویسندگان مقالات دائرة المعارف قرآن لیدن، نه تنها انصاف را در گزارش‌های خویش رعایت نکرده و اشتباهاتی داشته‌اند، بلکه لحن آنها نشانه

تعمدی آگاهانه در ایجاد شبهه و وارد کردنِ تهمت بر اسلام یا مسلمانان است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲-۳. اتهام کنایی داستان «افک» به شیعه: دنیس ای اسپیل برگ در مقاله خود با عنوان «عایشه» (Ibid, vol.1, p.55) به نقل موضوع کذب و تهمت به عایشه در قرآن می‌پردازد؛ در حالی که تمام فرقه‌های اسلامی، اعم از شیعه و اهل سنت در تبرئه و پاکدامنی عایشه از تهمت ناروای جنسی اتفاق نظر دارند و تاکنون هیچ دانشمند شیعه و سنی رأی مخالفی ابراز نکرده است. این نویسنده، اسلام‌شناس و قرآن‌شناس غرب، متأسفانه به گونه‌ای مسئله کذب عایشه را مورد اختلاف فریق اسلامی معرفی می‌کند و فقط نظر اهل سنت را بر تبرئه وی یادآور می‌شود که خواننده به طور طبیعی چنین برداشت می‌کند که گروه مخالف در این مسئله، شیعیانند که معتقد به عدم طهارت وی هستند. وی چنین می‌نویسد:

در باب اتهام زنا، اختلاف میان فرقه‌های اسلامی در دنیای اسلام سنتی در هیچ موردی مشهورتر از مسئله تفسیر قرآن در ارتباط با اتهام زنا علیه عایشه در سال پنجم هجری نبوده است... اهل سنت این آیات را به لحاظ تاریخی اشاره به کذب و تهمت علیه عایشه می‌دانند، در حالی که این آیات صریحاً مربوط به مجازات سنگین برای کسانی است که بدون اقامه بینه چهار شاهد، اتهام را شایع می‌سازند.

شایسته بود نویسنده محترم این مقاله، قبل از قلم زدن در یک دائرةالمعارف تخصصی، حداقل به تفسیر المیزان مراجعه می‌کرد تا با نظر فرقه‌های اسلامی غیر اهل سنت نیز آشنا می‌شد.

علامه طباطبایی از بزرگ‌ترین مفسران معاصر شیعه، در تفسیر المیزان ذیل

آیه «افک» چند نکته مهم را بیان می‌کند:

الف) روایات کتب اهل سنت شأن نزول آیه «افک» را مربوط به عایشه می‌دانند، اما احادیث شیعه شأن نزول آیه را مربوط به همسر دیگر پیامبر ﷺ، ماریه قبطیه می‌دانند و معتقدند اصلاً ربطی به عایشه ندارد؛ بنابراین طبق روایات شیعه، عایشه اصلاً مورد اتهام هم قرار نگرفته است.

ب) پاکیزگی و تبرئه همسران پیامبر ﷺ آنقدر نزد شیعه قطعی است که حتی نیازی به نزول آیه برای تبرئه آنها ندارد؛ زیرا شیعه معتقد است یکی از شرایط نبوت هر پیامبر، پاکیزه بودن همسران پیامبر از اینگونه آلودگی‌هایی است که جایگاه اجتماعی و مقبولیت عمومی پیامبر را در جامعه خدشه‌دار می‌کند؛ بنابراین هم عایشه، هم ماریه و هم بقیه همسران پیامبر اکرم ﷺ به دلیل عقل، نزد شیعه مبرّأ و منزّه از این آلودگی‌ها هستند.

ج) پیامبر اکرم ﷺ نیز شکی در طهارت همسر مورد اتهامش پیدا نکرد و روایات اهل سنت که گزارش دهنده شک پیامبرند، به نظر شیعه صحیح نیست؛ زیرا آن حضرت، هم بر اساس استدلال عقلی فوق، یقین به پاکی آنان داشت و هم به دستور حسن ظنّ که در آیات سوره نور خودش برای مردم قرائت کرده بود: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور: ۱۲)؛ چرا آن‌گاه که شما مردان و زنان مؤمن آن خبر را شنیدید، حسن ظن به خود را اعمال نکردید؟ [بنابراین] ایشان بیش از دیگران التزام عملی داشته و قطعاً با آن مخالفت نکرده است؛ از این‌رو شیعه معتقد است روایات اهل سنت مشتمل بر اهانت به رسول خدا ﷺ است و خود از آن پرهیز دارد.

د) به نظر شیعه، قذف و تهمت زنا به همسر پیامبر ﷺ یک دروغ محض بوده که از ناحیه منافقان، مانند عبدالله بن ابی مطرح شده، و تمام شیعیان به شدت با

آن مخالف بوده و تهمت‌زندگان را محکوم کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۱۰۶-۸۹).

۲-۳-۲. گزینش موضوع آیات شیطانی و «افک» به عنوان بهترین مثال شأن نزول آیات قرآن: جوئل بل در مقاله «حدیث و قرآن» (Ibid, vol.2, p.376-396) مقاله مفصل و بیست صفحه‌ای خود، موضوعات متعددی را به بحث گذاشته است. او ذیل عنوان نقل‌هایی تاریخی درباره اسباب نزول، پس از توضیحاتی خواسته است چند نمونه از شأن نزول‌ها را ذکر کند، اما متأسفانه از بین صدها شأن نزول آیات قرآن که در کتاب‌های اسباب التنزیل (ر.ک. به: حجتی، ۱۳۷۴) ذکر شده، سراغ موارد زیر رفته است:

۱. مهم‌ترین اسباب نزول، شاید حدیث «افک» باشد که مسئله تهمت زدن به عایشه را مطرح می‌کند و آیه‌ای در قرآن در این باره وجود دارد.
۲. آیات اول تا بیستم سوره نجم که در ضمن آن، نام سه بت لات، منات و عزی را ذکر می‌کند و به همین جهت، پیامبر ﷺ مورد سرزنش جبرئیل قرار می‌گیرد؛ چرا که آن قسمت، از القائات شیطان بوده است؛ و کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی بر همین مینا نوشته شده است.

بدیهی است انتخاب این دو موضوع رنج‌آور که اولی عامل تفرقه و کینه‌توزی بین شیعه و اهل سنت گشته و دومی زمینه سوء استفاده دشمنان اسلام و طرح مسئله آیات شیطانی را فراهم کرده است، نمی‌تواند کاملاً تصادفی باشد.

۲-۳-۳. بزرگ‌نمایی نقاط ضعف کتاب‌های شیعه و نسبت دادن آنها به کل شیعیان: بدیهی است کتاب‌های تألیف شده عالمان هر مذهب، ممکن است دارای برخی نظرات شاذ و اختصاصی خود نویسندگان آنها باشد؛ زیرا هر نویسنده‌ای حق دارد برداشت، استنباط و رأی شخصی خویش را درباره هر موضوع دینی در کتاب خود

ارائه دهد، اما منطقی نیست هر نظر و رأی ارائه شده در کتاب‌های مزبور را به اصل مذهب آنان نسبت دهیم؛ چرا که اینگونه نسبت‌ها از ادب تحقیق و انصاف و بی‌طرفی دور بوده، نوعی فریبکاری و تحریف است.

این دقت و احتیاط زمانی برای یک محقق گزارشگر ضرورت بیشتری می‌یابد که با یک کتاب جامع احادیث مواجه شود؛ در این صورت، نه تنها نمی‌توان مضمون هر یک از آن احادیث را به آن مذهب مربوط نسبت داد، بلکه نمی‌توان آن را حتی به اعتقاد خود نویسنده آن کتاب نیز منتسب نمود؛ زیرا چه بسیار محدثانی که در صدد جمع‌آوری کل احادیث مربوط به موضوعات مورد نظر بوده و احادیث موافق، مخالف، صحیح و ضعیف را جهت استفاده و مراجعه محققان و حدیث‌شناسان گردآوری کرده‌اند تا از معرض نابودی نجات یابند و محققان بعدی به نقادی آنها پردازند.

اکنون اگر گزارشگری خارجی با وقوف به این ادب تحقیق، برای معرفی عقاید یک مذهب به صرف اظهارات یا احادیث نقل شده در کتاب‌های برخی از عالمان آنها بسنده کند، بلکه پا را فراتر گذاشته و فقط به گزینش احادیث ضعیف و شاذ پردازد، چه انگیزه‌ای جز غرض‌ورزی، تخریب و مشوش کردن چهره علمی آن مذهب می‌تواند داشته باشد؟

برای نمونه، عبارت‌های زیر، در معرفی عقاید مذهب شیعه نسبت به معارف قرآن از قلم جویریل بل در دائرة المعارف قرآن آمده است. وی می‌نویسد:

شیعیان عقاید خاصی درباره قرآن دارند، مانند:

- تدوین‌کننده اصلی قرآن علی علیه السلام بوده است؛

- سوره احزاب طولانی‌تر از سوره بقره بوده و تحریف شده است

- شیعیان، قرائات سبع (هفت قرائت) را تأییدشده آسمانی دانسته‌اند که فقهای اسلامی بر اساس آنها می‌توانند در یک مسئله هفت گونه فتوا دهند (همان، ص ۴۹).

این سه مطلب، بخشی از ادعاهایی است که جویل بل در مقاله «حدیث و قرآن» (McAuliffe, Ibid, vol.2, p.376-396) به شیعه، به‌ویژه به کتاب بحارالانوار نسبت می‌دهد.

نقد و بررسی

۱. بحارالانوار متن اعتقادی رسمی شیعه نیست و تمام مطالب آن نیز مورد قبول شیعه نمی‌باشد، بلکه به تصریح علمای بزرگ شیعه، دائرةالمعارفی روایی است که اکثر روایات شیعی، اعم از صحیح و ضعیف را گردآوری کرده که عالمان بعدی به نقد علمی و تفکیک صحیح از ضعیف آنها پردازند. ادب علمی، اخلاق نویسندگی و صداقت و امانت در دائرةالمعارف نویسی اقتضا می‌کند هیچ‌گاه نویسنده‌ای هر مطلب و روایت موجود در آن کتاب را به مذهب شیعه و پیروان مذهب نسبت ندهد، بلکه برای کشف عقاید شیعه در هر موضوع، به کتاب‌های تخصصی و علمی درباره همان موضوع که توسط عالمان بزرگ شیعه نگاشته شده و مورد تأیید همگان یا اکثریت شیعه است، مراجعه نماید.

۲. علاوه بر این، اگر احیاناً نویسنده این مقاله بر آن بود که کتاب‌های حدیثی شیعه را معرفی کند، چرا بین آن همه جوامع حدیثی قوی شیعه، مانند کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لا یحضر الفقیه) و کتاب‌های تفسیری حدیثی، مانند نورالثقلین تألیف حویزی و البرهان تألیف سیدهاشم بحرانی و مشابه آن را که تقریباً احادیث مورد قبول اعتقادشان را جمع‌آوری کرده‌اند، رها کرده و به‌گزینش

یک کتاب حدیث شیعه پرداخته است؟!

۳. افزون بر آن، بر فرض که نویسنده تعهد داشته است فقط بحارالانوار را به سبب حجیم تر بودنش انتخاب کند، چرا ده‌ها هزار احادیث ناب آن را رها کرده و به گزینش چند حدیث ضعیف مبادرت نموده است؟!

این سؤال‌ها و چراها، واقعیت‌هایی است که نمی‌گذارند یک خواننده تیزهوش از کنار این مقاله ساده بگذرد و خوش‌بینانه و ساده‌لوحانه همه این گزینش‌ها را اتفاقی یا ناشی از غفلت یک نویسنده متبحر بدانند.

۴. درباره موضوع جمع قرآن و تحریف آن باید دانست: اگرچه تعداد اندکی از عالمان شیعه و اهل سنت به تحریف و حذف آیاتی از قرآن معتقد شده‌اند، اما این نظریه به شدت از سوی اکثریت قاطع عالمان دینی فریقین رد شده و مهر بطلان بر آن زده‌اند. نظر همه مذاهب اسلامی، به ویژه معاصران شیعه و سنی، آن است که هیچ گونه تحریفی در قرآن رخ نداده است. مراجعه به مشهورترین کتاب‌های معتبر عالمان شیعه می‌تواند برای یک محقق منصف و بی‌غرض کافی باشد.

از جمله معروف‌ترین کتاب‌هایی که از ناحیه شیعه، اخیراً درباره موضوع صیانت قرآن از تحریف منتشر شده و مورد تأیید همه عالمان شیعه قرار گرفته است، از این قرار است:

- البیان، تألیف آیت الله خویی؛

- تاریخ قرآن، ابو عبدالله زنجانی؛

- تاریخ قرآن، دکتر سید محمد باقر حجتی (پژوهشی در تاریخ قرآن کریم)؛

- صیانة القرآن عن التحریف، آیت الله معرفت؛

- سلامة القرآن من التحریف، دکتر فتح الله محمدی نجارزادگان؛

- اكدوبة التحريف، رسول جعفریان و... .

شایسته بود با وجود این کتاب‌ها، نویسنده محترم و مستشرق قرآن‌پژوه مزبور، به آنها مراجعه می‌کرد و دیدگاه‌های موجود در آنها را به شیعه نسبت می‌داد تا صداقت خود را در گزارشگری نشان دهد.

۵. موضوع جمع‌آوری قرآن و تدوین آن به صورت کتابی جامع، توسط حضرت علی علیه السلام قبل از دیگران، سخنی نیست که به شیعیان اختصاص داشته باشد، بلکه کتاب‌های مأخذ و مرجع اهل سنت نیز این مطلب را نقل کرده‌اند (معرفت، ۱۴۲۵ ق. ج ۱، ص ۲۸۸)؛ از آن جمله می‌توان به: سیوطی در الاتقان (ج ۱، صص ۵۷ و ۷۱)، ابن ندیم، در الفهرست (ص ۴۷)، ابن سعد در طبقات الکبری (ج ۲، ص ۱۰۱)، ابن عبدالبر در الاستیعاب و در حاشیه الاصابة ابن حجر (ج ۲، ص ۲۵۳) و ابن جزی کلبی در التسهیل لعلوم التنزیل (ج ۱، ص ۴) اشاره کرد.

۶. گفتنی است طولانی بودن اصل سوره احزاب و حذف آیاتی از آن، علاوه بر اینکه از سوی مذهب شیعه و محققان و عالمان شیعه انکار شده و آنان این روایت بحارالانوار را ضعیف می‌دانند، اختصاص به یک کتاب حدیثی شیعه ندارد، بلکه برخی از کتاب‌های حدیثی اهل سنت نیز آن را نقل کرده‌اند. موارد ذیل از آن جمله‌اند:

الف) سیوطی در الاتقان از ابی ابن کعب نقل کرده است:

«عن زر بن حبیش، عن ابن کعب، قال: کم تقرون سورة الاحزاب؟ قلت: ثلاثاً و سبعین آية. قال: قط، لقد رأيتها و أنها لتعادل سورة البقره...» (سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۷۲ / احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۳۲)؛ زر بن حبیش نقل می‌کند که ابی بن کعب از من پرسید: سوره احزاب را که می‌خوانید چقدر است؟ گفتم: هفتاد و سه آیه. گفت: هرگز! من این سوره را دیده‌ام که معادل سوره بقره بود.

ب) عن عائشه، قالت: «كانت سورة الاحزاب تقرأ في زمن النبي ﷺ مأتى آيه، فلما كتب عثمان المصاحف لم يقدر منها الا على ما هو الان و كانت تزعم منها آيه الرجم» (سيوطى، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۷۳): عائشه گفت: سوره احزاب در زمان پيامبر اکرم ﷺ به صورت دويست آيه تلاوت مى شد، اما هنگامى که عثمان به نوشتن مصاحف اقدام کرد، ما به آیات ديگرى غير از آیات فعلى دست نيافتيم. عائشه معتقد بود آيه «رجم» از آن آیات گمشده بود.

بنابراين، اگر نويسنده محترم تصميم داشت نظريه تحريف قرآن را به يکى از مذاهب اسلامى نسبت دهد، بهتر بود نظريه خود را به مذهبي نسبت نمى داد که اينگونه احاديث را کمتر نقل کرده است.

گفتنى است اهل سنت نيز مانند شيعيان معتقد به ضعف اين دو روايت و منکر تحريف قرآن کریم اند؛ لذا نويسنده مقاله نمى بايست اين نسبت را به هيچ مذهب اسلام مى داد.

۷. گرچه حديث قرائت‌هاى هفت‌گانه در برخى کتب حديثى شيعه و سنى نقل شده است، اما بايد دانست: اولاً اينگونه تفسير و شرح براى اين حديث، مورد قبول شيعيان نيست و عالمان شيعه و سنى تفسيرهاى ديگرى براى آن ارائه داده‌اند؛ ثانياً، اين حديث در مآخذ حديث شيعه وجود نداشته و از کتاب‌هاى حديثى اهل سنت به کتاب‌هاى شيعه منتقل شده است؛ لذا اگر قرار است به مذهبي نسبت داده شود، بايد به مذهبي منتسب شود که منبع اصلى اين حديث است - که ما با آن هم مخالفيم - ثالثاً، برخى محققان معاصر شيعه، اساساً اصل صحّت اين حديث و صدور آن را از پيامبر اکرم ﷺ انکار کرده‌اند که در اين صورت، همه بحث‌ها و نسبت‌هاى فوق بي‌پايه و واهى خواهد بود؛ براى نمونه آيت الله خوئى مى نويسد: «حقيقت آن است که قرائت‌هاى هفت‌گانه، حجت شرعى

نیستند و نمی‌توان بر اساس آنها حکم شرعی استنباط کرد» (موسوی خوئی، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۶۴).

از آنجا که این روایات مخالف قرآن و روایات صحیحۀ امامان معصوم علیهم‌السلام هستند، اساساً از اعتبار ساقطاند؛ علاوه بر اینکه متون روایات سبعة احرف نیز متهافت و با یکدیگر متضاد هستند (همان، ص ۱۷۷).

حاصل سخن آنکه: برای نظریۀ نزول قرآن بر هفت حرف، هیچ معنای صحیحی نمی‌توان بیان کرد؛ لذا همه آنها را باید طرد کنیم؛ به‌ویژه که احادیث صحیحۀ امامان معصوم علیهم‌السلام دلالت بر کذب آنها دارند؛ افزون بر این، باید دانست قرآن بر یک حرف نازل شده و اختلاف از ناحیۀ راویان آن پدیدار شده است (همان).

آیا با این همه صراحت بیان - که در کتاب یکی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید شیعه در قرن حاضر دیده شود - سزاوار است یک محقق غربی به عنوان یک گزارشگر بی‌طرف، خلاف آن را رسماً به مذهب شیعه نسبت دهد؟! (زمانی، ۱۳۸۲، ص ۷۹-۱۰۴).

افزون بر ویژگی‌های مثبت و اشکالاتی که درباره‌ی دائرةالمعارف قرآن لیدن بیان شد، صاحب مقاله «بررسی دائرةالمعارف قرآن لیدن» نیز نقاط ضعف دائرةالمعارف را اینگونه ارزیابی می‌کند:

۲-۴. نقاط ضعف دائرةالمعارف قرآن لیدن

۲-۴-۱. ادعای تحقیق موشکافانه (که در مقدمۀ دائرةالمعارف آمده است) با عملکرد نویسندگان در برخی مقالات دانشنامه، سازگار نیست؛ برای مثال کلود ژیلیو در مقدمۀ «تفسیر قرآن: در دورۀ کلاسیک و ادوار میانه»

McAuliffe, Ibid, vol.1, p.99-124) کتاب حقایق التأویل فی متشابه التنزیل سید مرتضی (م ۴۰۶ ق) را از تفاسیر معتزله بر می‌شمرد و نیز شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق) را از مفسران شیعی معتزلی معرفی می‌نماید؛ در حالی که اینگونه نیست و این بزرگواران از علمای برجسته شیعه امامیه محسوب می‌شوند.

۲-۴۲. مشکلات روشن‌شناختی در معرفی تفاسیر: برای مثال راترود ویلانت در مقاله «تفسیر قرآن: در دوره جدید و معاصر» (Ibid, vol.1, p.125-142) شروع تفسیر علمی قرآن را از فخر رازی (م ۶۰۶ ق) و با استخراج علوم از قرآن معرفی می‌کند؛ سپس از آلوسی (م ۱۸۵۶) در روح المعانی و طنطاوی در الجواهر نام می‌برد. ایشان در این مقاله اعتراف می‌کند تفسیر علمی قرآن، اعجاز قرآن را می‌رساند و حربه‌ای در دست مسلمانان علیه غرب است؛ ولی توجه نداشته است که تفسیر علمی قرآن از عصر بوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) در کتاب رسائل او آغاز شده و به سه شیوه زیر صورت گرفته است:

اول: استخراج علوم از قرآن بر اساس برداشتی نادرست از آیه «و یَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم) (نحل: ۸۹) می‌باشد که در ظاهر، همه علوم را در قرآن موجود می‌داند و این راهی است که غزالی (م ۵۰۵ ق) پیموده است (غزالی، [بی‌تا]، «ب»، ج ۱، ص ۲۸۹ / همو، [بی‌تا]، «الف»، ص ۱۸).

دوم: تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن کریم که شیفتگان علوم جدید بدان

میل پیدا کرده‌اند؛ از جمله عبدالرزاق نوفل مصری در کتاب‌های متعدد. سوم: استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن کریم که شیوه‌ای صحیح است و افرادی همچون محمد عبده خواسته‌اند این راه را طی کنند (ر.ک به: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵).

۲-۴-۳. تکرار تهمت‌های مستشرقان نسبت به قرآن: با اینکه شیوه عمومی این دائرةالمعارف، با پژوهش‌های قبلی مستشرقان فاصله زیادی دارد و رویکردی منصفانه و محققانه بر بسیاری از مقالات آن حاکم است، ولی برخی نویسندگان بدون تحقیق جدید و به صورتی تقلیدگونه، همان مطالب مستشرقان را تکرار کرده‌اند که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

آندرو ریپین ذیل مدخل «هارون» چنین می‌نویسد: «قرآن به غلط و خطا، مادر عیسی [علیه السلام] را خواهر هارون می‌داند: «يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمَّكَ يَتِيمًا» (ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود) (مریم: ۲۸) و حال آنکه هارون قرن‌ها پیش از مادر عیسی از دنیا رفته است. در کتاب مقدس آمده است: هارون خواهری به نام مریم داشته که در زمان هارون و موسی [علیه السلام] بوده است، نه در زمان عیسی [علیه السلام] (Ibid, vol.1, p.1-2).

آندرو ریپین اگر به تفاسیر مهم شیعه و اهل سنت مراجعه می‌کرد، متوجه می‌شد که این جمله قرآن - که از زبان مخالفان حضرت مریم [علیه السلام] حکایت می‌کند - ضرب‌المثلی در میان قوم او بوده است. در حدیثی از پیامبر ﷺ نیز نقل شده است: «چون هارون مرد پاکی بود، در میان بنی اسرائیل ضرب‌المثلی شده بود؛ از این رو، به افراد پاک می‌گفتند: این برادر یا خواهر هارون است» (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ذیل آیه ۲۸ سوره مریم / عروسی حویزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۳۳۳ / مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۳، ص ۵۱).

این لغزش آندرو ریپین در فهم آیه قرآن و عدم توجه او به تفاسیر و روایات تفسیری و نسبت خطای تاریخی به قرآن دادن - که مریم زمان موسی علیه السلام را با مریم زمان عیسی علیه السلام اشتباه کرده است - همان اندازه برای دائرة المعارف قرآن لیدن مشکل آفرین است که توجه نکردن آندرو ریپین و سرویراستاران، ارزیابان و ناظران دائرة المعارف فوق به تحقیقات مستشرقان و نقدهای مسلمانان به آنها؛ زیرا این مطالب آندرو ریپین مطلب جدیدی نیست، بلکه تکرار مطالب مستشرقان قبلی است؛ چسرا که اولین بار شخصی به نام آدریان ریلاند (۱۶۷۶-۱۷۱۸ م) این اشکال را بر قرآن مطرح کرد و مسلمانان بارها این اشکال را پاسخ گفته، لغزش مستشرقان را در فهم آیه مذکور تذکر داده‌اند؛ از جمله عبدالرحمن بدوی (۱۹۸۸ م) در کتاب *دفاع عن القرآن* (ص ۱۶۱) همین اشکال را مطرح کرده و پاسخ مفصلی به آن داده است، ولی عجیب این است که چهارده سال بعد از انتشار کتاب عبدالرحمان بدوی، همان اشتباه مستشرقان قبلی در *دائرة المعارف قرآن لیدن* تکرار می‌شود؛ بدون اینکه به پاسخ اشاره شود.

۲-۴۴. تناقض درونی در *دائرة المعارف قرآن لیدن*: لازم است مطالب ارائه شده هر کتابی که نگاشته و تدوین می‌شود، با هم تناقض نداشته باشند، به‌ویژه در مسائل تاریخی که به مذاهب و کتاب‌های آسمانی نسبت داده می‌شود؛ اما در *دائرة المعارف قرآن لیدن* گاهی این تناقض‌ها به چشم می‌خورد؛ برای مثال جوویل بل در مقاله «حدیث و قرآن» مطالبی در مورد تحریف قرآن نقل کرده است؛ از جمله از سیوطی نقل می‌کند که آیه رجم بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده، اما در قرآن نیامده است. کلمه ائمه به امت تبدیل شده است؛ همچنین می‌گوید شیعیان معتقدند سوره احزاب در اصل از سوره بقره طولانی‌تر بوده است، ولی در معرض تغییر قرار گرفته است؛ نیز می‌گوید: شیعه قرائت‌های هفت‌گانه قرآن را برای

استنباط فتاویٰ فقهی تفسیر کرده است (McAuliffe, Ibid, vol.1, p.376-396)؛ در حالی که مسئلهٔ تحریف قرآن را نیویابی در مقالهٔ «تحریف» (Ibid, vol.1, p.242) که در همان دائرةالمعارف قرآن لیدن نوشته شده، مردود اعلام کرده است.

۲.۵۴. جمع‌آوری نکردن تمام اطلاعات لازم در یک زمینه: از ویژگی‌های مهم یک دائرةالمعارف، آن است که تمام اطلاعات لازم دربارهٔ یک مطلب را به صورت فشرده ارائه کند؛ به طوری که خواننده را از مراجعه به کتاب‌های دیگر بی‌نیاز سازد؛ اما گاهی دائرةالمعارف قرآن لیدن این مهم را به انجام نرسانده است؛ برای مثال خانم مک اولیف در مقالهٔ «فاطمه علیها السلام» نوشته است: مفسران قرآن، آیات ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباهله) و ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر) را درباره فاطمه علیها السلام می‌دانند؛ سپس از تفسیر طبری نقل می‌کند که مقصود از اهل البیت در سورهٔ احزاب، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستند؛ ولی از عکرمه نقل می‌کند که مقصود، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند (Ibid, vol.1, p.192-193)، در حالی که اولاً آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن از ۶۰ تا ۱۳۵ آیه حکایت شده است (مؤید، ۱۳۸۰ / الحلو، ۱۴۲۱ ق / شیرازی، ۱۴۲۱ ق)؛ هر چند باید گفت: البته برخی از شأن نزول این آیات در مورد فاطمه علیها السلام است و در برخی دیگر فاطمه علیها السلام از مصادیق، تأویل، بطن و یا تفسیر آیه شمرده شده و برخی آیات نیز مورد تأیید و تأکید مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت بوده است؛ از جمله سورهٔ کوثر (ر.ک به: رازی، [بی‌تا]. ذیل سورهٔ کوثر / طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ذیل سورهٔ کوثر / مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ذیل سورهٔ کوثر) و آیات نذر در سورهٔ انسان (هل أتی) (ر.ک به: انصاری قرطبی، ۱۴۱۷ ق)، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین نیشابوری در غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ابی محمد حسین بن مسعود فراء بغوی در معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، سیدهاشم بحرانی در البرهان فی

تفسیر القرآن (۱۴۱۲ ق)، ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر صافی (۱۳۹۹ ق) و تفاسیر المیزان، نور، الثقلین، نمونه و... .

گفتنی است در مورد فاطمه زهرا علیها السلام بیش از ۲۴۰۰ کتاب نوشته شده است (ر.ک به: زنجانی خوئینی، ۱۳۸۲) که در بسیاری از آنها، آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام یادآوری شده است. توجه نکردن به این میراث گرانسنگ اهل سنت و شیعه، در مورد آیات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام، از نویسنده و سروراستار دائرة المعارف قرآن لیدن قابل اغماض نیست و ممکن است برخی، آن را بر کم اطلاعی نویسنده حمل نمایند.

ثانیاً، لازم است نویسنده دائرة المعارف گزارش کاملی از دیدگاه‌های هر موضوع ارائه کند و اگر از کسی دیدگاهی نقل می‌کند، دیدگاه مخالف او را نیز نقل کند؛ چه اینکه در مثال مزبور، هنگامی که حدیث عکرمه نقل شد، لازم بود نویسنده به ضعف سند حدیث وی نیز اشاره می‌کرد؛ به‌ویژه آنکه بزرگان علم رجال در اهل سنت و شیعه، عکرمه را تضعیف کرده‌اند و او را از خوارج دانسته‌اند (ر.ک به: ذهبی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۹۳-۹۶ / تستری، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۳۲۷)؛ البته برخی بزرگان نیز عکرمه را وثیق کرده، ولی در استناد این روایت به او تشکیک کرده‌اند (ذهبی، [بی‌تا])، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۶۱)؛ همچنین باید به ضعف دلالتی این حدیث (نزلت فی نساء النبی صلی الله علیه و آله و سلم خاصه) (طبری، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۲، ص ۸) اشاره می‌شد؛ زیرا - همان گونه که برخی مفسران اشاره کرده‌اند - آیه تطهیر بر پاکی از هر گونه گناه و آلودگی، یعنی عصمت اهل بیت علیهم السلام، دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۶، ص ۳۱۰-۳۱۱) و این مطلب نمی‌تواند مربوط به همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد که آیات ۴-۶ سوره تحریم در مورد توبه آنان نازل شده است (بخاری، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۳۱۴، ح ۴۹۱۵۴۹۱۴).

۶-۲. نقل اسرار اقیلیات بدون نقد: برای مثال، کرنلیا شاک ذیل مدخل «آدم عَلَيْهِ السَّلَام و حوا» در قسمت آفرینش آدم عَلَيْهِ السَّلَام و حوا آورده است: «قرآن می‌گوید: ای بنی آدم! خداوند شما را از یک فرد [آدم] و همسرش را از او آفرید؛ یعنی او را از دنده پایین یا از سمت چپ آدم خلق کرد» (McAuliffe, Ibid, vol.1, p.22-26).

اشاره نویسنده به آیه اول سوره نساء «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (ای مردم! از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید، پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مَبْرُود که خدا همواره بر شما نگهبان است) می‌باشد.

اولاً در این آیه، بلکه در کل قرآن، تصریح نشده که حوا از دنده چپ آدم عَلَيْهِ السَّلَام آفریده شده است؛ بنابراین نسبت دادن عبارت فوق به قرآن، بر خلاف امانتداری در نقل مطالب است؛ ثانیاً، در تورات آمده است: و خداوند خوابی گران بر آدم عَلَيْهِ السَّلَام مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت به جایش پر کرد و خداوند از آن دنده که از آدم عَلَيْهِ السَّلَام گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم عَلَيْهِ السَّلَام آورد و آدم عَلَيْهِ السَّلَام گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم؛ از این سبب نساء نامیده شود، زیرا از انسان گرفته شده (کتاب مقدس، ۱۹۸۱ م، سفر پیدایش، باب ۲، ص ۲۲-۲۳).

پس این مطلب از داستان‌های تورات بوده که در ذهن کرنلیا شاک باقی مانده و هنگام نوشتن مقاله به قرآن نسبت داده است.

ثالثاً، اگر نویسنده به تفاسیر مسلمانان در مورد آیات خلقت آدم عَلَيْهِ السَّلَام مراجعه

می‌کرد، گرفتار این لغزش نمی‌شد؛ زیرا علامه طباطبایی در المیزان به صراحت مطالب مزبور را که در روایتی آمده است، نقل کرده و آن را نفی می‌کند و ریشه آن را اسرائیلی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق. ۱، ص ۱۴۷).

۴-۷. نسبت دادن برخی مطالب غیر مناسب به پیامبر الهی؛ برای مثال ذیل مدخل «ابراهیم علیه السلام» (MCAuliffe, vol.1, p.7) آزر را پدر وی می‌خواند و نیز ابراهیم علیه السلام را در داستان پرندگان، معترض به خدا معرفی می‌کند؛ همچنین در همان مدخل، اجداد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را «بت پرستان» می‌خواند.

در حالی که مفسران بزرگ شیعه، به ویژه در مجمع البیان، المیزان، تفسیر نمونه و... ذیل آیات ۱۱۳-۱۱۴ سوره توبه، ۴ سوره ممتحنه، ۴۷ سوره مریم و ۸۶ سوره شعراء به این مطالب اشاره کرده و آنها را توجیه یا رد کرده‌اند و روشن ساخته‌اند که آزر عمومی ابراهیم علیه السلام بوده و حدیثی که در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، جعلی است و شواهد زیادی بر ایمان اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد (برای آگاهی از آیات مذبور، رک به: طبرسی، ۱۴۱۵، ق / طباطبایی، ۱۳۹۳، ق / مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۱۵۷-۱۵۹).

۴-۸. استفاده نکردن از نویسندگان متخصص قرآن: استفاده از قلم نویسندگان مختلف جهان، از نقاط قوت این دائرة المعارف است؛ اما در عصر حاضر در خاورمیانه، یعنی در مصر، لبنان، عراق، ایران، پاکستان و برخی کشورهای دیگر، قرآن پژوهان برجسته‌ای وجود دارند که برخی ده‌ها جلد تفسیر قرآن نگاشته‌اند و یا در موضوعات قرآنی و علوم وابسته، نوشته‌های مفصلی دارند، ولی صاحبان دائرة المعارف قرآن لیدن به سراغ استادان قوی و مشهور نرفته‌اند؛ برای مثال از کشور ایران، از آقای محمدعلی امیر معزی و محسن ذاکری استفاده کرده‌اند، در حالی که نام این دو نفر برای انجمن علمی قرآن و محققان قرآن پژوه ایران

ناآشناست؛ حال آنکه در زمان نگارش این دائرةالمعارف در ایران قرآن‌پژوهان بزرگی همچون آیت الله مکارم شیرازی (صاحب تفسیر نمونه) و آیت الله معرفت (صاحب التفسیر الاثری الجامع و التمهید فی علوم القرآن) و ده‌ها دانشمند دیگر وجود داشته و دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۶۰-۷۰).

۲-۵. نتایج

از مطالعه و بررسی مدخل‌های گوناگون دائرةالمعارف قرآن‌لیدن، مطالب ذیل قابل ذکر است:

۱. حجم مدخل‌ها (مقالات) و کوتاهی و بلندی آنها، در نگاه اول متناسب به نظر نمی‌رسد؛ برای مثال پاره‌ای از آنها فقط از یک یا دو صفحه تشکیل شده‌اند، مانند مدخل‌های «غریب القرآن، ورید، ابولهیب، ایلاء، ایام الله، ارم، اسکندر، بعل، بابل، بدر، خلیفه، روز و شب، نخل، دهر، دیه، غنیمت، عاد، علی بن ابیطالب» (از جلد اول) و مدخل‌های «مصر، یسع، حسد، حزقیال، قحطی، قتال، جلد، غف، هبه، حفصه، حنیف، هاروت و ماروت، عسل، حدیبیه، حنین، برات» (از جلد دوم) و مدخل‌های «جبت، بلوغ، سخره و استهزاء، دروغ (کذب)، انباء، کوه جودی، أسواق، نمرود، مجوس، ایتم، عجایب القرآن، ایوب، رایحه‌ها و بوها، نفقه، یأس، یعمقوب، نجران، بنونضیر، خدیجه، لقمان، میکائیل، اصحاب کهف، قارون» (از جلد سوم) و ...

در حالی که برخی از آنها، متشکل از پانزده تا سی صفحه‌اند؛ مانند مدخل‌های «جامعه و اجتماع در قرآن، تاریخ‌گذاری و قرآن، آثار انتقادی جدید و قرآن» (از جلد اول) مدخل‌های «تفسیر قرآن: در دوره کلاسیک و ادوار میانه، تفسیر قرآن: در دوره جدید و معاصر، شکل و ساختار قرآن، جغرافی، دستور زبان و قرآن، حدیث و قرآن» (از جلد دوم) مدخل‌های «ساختارهای ادبی قرآن، مسجد، عیسی علیه السلام، یهود و

یهودیت، زبان و اسلوب قرآن، فقه و قرآن، طب و قرآن، ادبیات و قرآن، نسخه‌های خطی قرآن، تأثیر قرآن بر وجوه مختلف فرهنگ مادی بشر، محمد [ﷺ]، قصص قرآن» (از جلد سوم) و

۲. به لحاظ موضوعی، پاره‌ای از مدخل‌ها، قرآنی تلقی نمی‌شوند و گزینش آنها در این دائرة المعارف، ممکن است شگفتی ما را برانگیزد؛ برای نمونه مدخل‌های «کنترل جمعیت، اتم، ادبیات آفریقا، آزارات، امریکایی‌های آفریقایی، دروزیان، سینما و قرآن» (از جلد اول) و مدخل‌های «بوم‌شناسی، هنر حکاکی، اتیوپی، اباضیه، عراق» (از جلد دوم) و مدخل‌های «پول، عددشناسی، فلزات و مواد معدنی» (از جلد سوم) و ... از آن جمله‌اند؛ البته طرح مدخل‌هایی مانند «دروزیان و فرقه بهایی» در این دائرة المعارف، به اعتبار برداشت و تفسیر خاص آنها از قرآن بوده است.

گذشته از این، باید توجه داشت دائرة المعارف قرآن لیدن (EQ) از سوی قرآن‌پژوهان غربی و در محیط مطالعاتی خاص آنان با گرایش‌های ویژه خود تألیف شده است.

۳. بعضی از نویسندگان مدخل‌ها، مطالب خود را منصفانه مطرح کرده‌اند و گرایش آنها به اسلام و قرآن و حتی تشیع، مثبت و خوش‌بینانه است؛ مانند: خانم مک اولیف، آقای جردن دارنل نیوی، آقای ریچارد سی. مارتین، آقای رابرت شیک ذیل مدخل «باستان‌شناسی و قرآن» و مارگات بدران در مدخل «فمینیسم و قرآن» و

اما دسته دوم نویسندگان، کسانی هستند که تقریباً نگرشی منفی و غیرمنصفانه یا غیرعالمانه دارند؛ مانند کلود ژیلیو ذیل مدخل «تفسیر قرآن: در دروه کلاسیک و ادوار میانه» که برای پاره‌ای از مدعیات خود، هیچ دلیلی اقامه نکرده است و جوویل بل ذیل مدخل «حدیث و قرآن» که اعتقاد گروه اندکی از شیعه را در زمینه

اعتقاد به تحریف قرآن، به کلی بیروان تشیع نسبت داده است و ...

۴. با نگاهی به عنوان برخی مقالات و مؤلفان آنها، در می‌یابیم مسئولان علمی *دائرة المعارف قرآن لیدن* (EQ) در انتخاب و گزینش مؤلف، بر تخصص و زمینه تحقیقاتی هر یک از مؤلفان تأکید ورزیده، سعی داشته‌اند تألیف مقالات مهم را به کسانی بسپارند که در آن زمینه صاحب‌نظر بوده، تألیفاتی علمی - پژوهشی داشته‌اند؛ برای نمونه تألیف مقاله مهم «اسباب النزول» بر عهده قرآن‌پژوه معروف انگلیسی، آقای اندرو ریپین نهاده شده که به صورت تخصصی و آکادمیک در این موضوع به پژوهش پرداخته و عنوان رساله دکتری وی نیز «متون اسباب النزول قرآنی: بررسی کاربرد و تحول آن» است. خانم زابینه اشمیتکه مؤلف کتاب اندیشه‌های کلامی علامه حلی نیز که به همراه مارتین مکدرموت و زیر نظر پرفسور ویلفرد مادلونگ، تأثیر و تأثر و ارتباط آرا و اندیشه‌های متکلمان بزرگ شیعه با مکتب کلام اعتزال را بررسی کرده، تألیف مقاله مهم «معتزله» را عهده‌دار شده است.

۵. حضور پژوهشگران و مؤلفان مسلمان خارج از کشور، در میان نویسندگان *دائرة المعارف قرآن لیدن* (EQ) تقریباً چشمگیر است و حتی برخی محققان ایرانی که در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا به آموزش و پژوهش در زمینه مطالعات اسلامی، به‌ویژه پژوهش‌های قرآنی اشتغال دارند، برای این *دائرة المعارف* مقاله تألیف کرده‌اند؛ این محققان و عنوان مقالات آنان عبارتند از:

- محمدعلی امیر معزی از پاریس که مقاله «ارتداد» را تألیف کرده است.
- محسن ذاکری از دانشگاه فرانکفورت آلمان که مقاله «حکم» را نگاشته است.
- نرید کرمانی از کالج ویسنجافت برلین (آلمان) که مقاله «عقل» را تدوین نموده است (بهار دوست، ۱۳۸۲، ص ۵۱-۵۳).

اما جای بسی تأسف است که قرآن پژوهان داخل ایران - که خوشبختانه شمارشان هم اندک نیست - هیچ سهمی در تألیف مقالات این دایرة المعارف ندارند.*

۶. در مجموع، کار تهیه دایرة المعارف قرآن لیدن (EQ) در مقایسه با مقداری که تاکنون چاپ و منتشر شده، تقریباً مثبت و خوب ارزیابی می شود و قابل تجلیل است؛ اما ارزیابی نهایی درباره نوع و کیفیت مطالب، متوقف بر چاپ و انتشار دیگر جلد های دایرة المعارف قرآن لیدن (EQ) در سال های آتی است.



* به نظر می رسد در جستن علل و مسبب های این امر، باید بر عدم ارتباط سامان مند میان اسلام شناسان و قرآن پژوهان داخل کشور با مراکز مختلف اسلام شناسی در غرب تأکید کرد. به رغم اینکه چند سالی است استفاده از شبکه اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) در میان قرآن پژوهان داخل کشور رواج یافته است، این ارتباط غالباً یک سو به و گاهی محدود به سایت های فارسی و عربی زبان است؛ لذا نگارندگان بر این باورند که در نگاهی منصفانه در عدم استفاده از محققان ایران برای تألیف مقالات دایرة المعارف قرآن لیدن (EQ)، عذر چندانی متوجه مسئولان آن نیست؛ زیرا شبکه و گلابه از این قرآن پژوهان داخلی است که حداقل چکیده و گزیده ای از تحقیقات و یافته های جدید خود را در دانش های قرآنی، به زبان انگلیسی، به این مراکز معرفی نمی کنند؛ البته در سال های اخیر، کارهای خوبی در این زمینه صورت گرفته است؛ از جمله ترجمه تفسیر نمونه اثر گرانسنگ آیت الله مکارم شیرازی به چندین زبان زنده دنیا و... .

منابع

- * القرآن الکریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند؛ قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۱. اسکندری، محمد جواد؛ «معرفی و نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن»؛ قیاسات، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۸۵-۲۶۷.
 ۲. الحلوی، سید محمد علی؛ ما نزل من القرآن فی شأن فاطمة الزهراء؛ [بی‌جا]: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
 ۳. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل؛ فاطمه در آینه کتاب؛ قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.
 ۴. انصاری قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن؛ ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
 ۵. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی التفسیر القرآن؛ بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۲ ق.
 ۶. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل؛ صحیح بخاری؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
 ۷. بهار دوست، علی رضا؛ «انتشار جلد سوم دائرةالمعارف قرآن (EQ)»؛ کتاب ماه دین، ش ۱، آبان ۱۳۸۲، ص ۵۱-۵۳.
 ۸. تستری، محمد تقی؛ قاموس الرجال؛ قم: جماعة المدرسین بقم مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
 ۹. حجتی، سید محمد باقر؛ اسباب النزول؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
 ۱۰. _____؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
 ۱۱. حسینی شیرازی، صادق؛ فاطمة الزهراء فی القرآن؛ اصفهان: خوشنواز، ۱۴۲۱ ق.
 ۱۲. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان؛ میزان الاعتدال؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
 ۱۳. ذهبی، محمد حسین؛ التفسیر و المفسرون؛ بیروت: دارالقلم، [بی‌تا].
 ۱۴. رازی (فخر رازی)، فخرالدین؛ تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)؛ ج ۲، تهران: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].

۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ «بررسی دائرة المعارف قرآن لیدن»؛ قرآن و مستشرقان، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۴۳-۷۰.
۱۶. _____؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن؛ قم: اسوه، ۱۳۷۵.
۱۷. زمانی، محمدحسن؛ مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۸. _____؛ «نقدی بر دائرة المعارف قرآن لیدن»؛ پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ش ۱۷-۱۸، پاییز ۱۳۸۲، ص ۷۹-۱۰۴.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بی‌ابی بکر؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ با تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم؛ ج ۲، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات و تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین؛ با تحقیق سیدعلی عاشور؛ بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۴. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد؛ احیاء علوم الدین؛ «ب»، دمشق: عالم الکتب، [بی‌تا].
۲۵. _____؛ جواهر القرآن؛ «الف»، بیروت: المرکز العربی الکتب، [بی‌تا].
۲۶. فواء بغوی، ابی محمد حسین بن مسعود؛ معالم الترتیل فی التفسیر والتأویل؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر صافی؛ با تصحیح علامه شیخ حسین الاعلمی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ق.
۲۸. کتاب مقدس؛ ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران؛ تهران: انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۱ م.

۲۹. کریمی‌نیا، مرتضی؛ «آشنایی با دائرةالمعارف قرآن»؛ گلستان قرآن، ش ۱۹۰، آبان ۱۳۸۳، ص ۳۱-۳۳.
۳۰. _____؛ «دائرةالمعارف به انگلیسی»؛ گلستان قرآن، ش ۸۶، آبان ۱۳۸۰، ص ۳۵-۳۶.
۳۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر به رأی و مرج و مرج ادبی؛ ج ۷، قم: مؤسسه مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷.
۳۳. موسوی خمینی، روح‌الله (امام)؛ آداب الصلوة؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۲.
۳۴. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة؛ ج ۳، بیروت: منشورات مدينة العلم (افست قم)، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. مؤید، شیخ علی حیدر؛ فضائل فاطمة فی الذکر الحکیم؛ قم: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۰ ق.
۳۶. نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد بن حسین؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقان؛ تصحیح زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
37. McAuliffe, Jane Dammen; ed., Encyclopaedia of the Quran; Leiden_Boston: Brill, 2000.